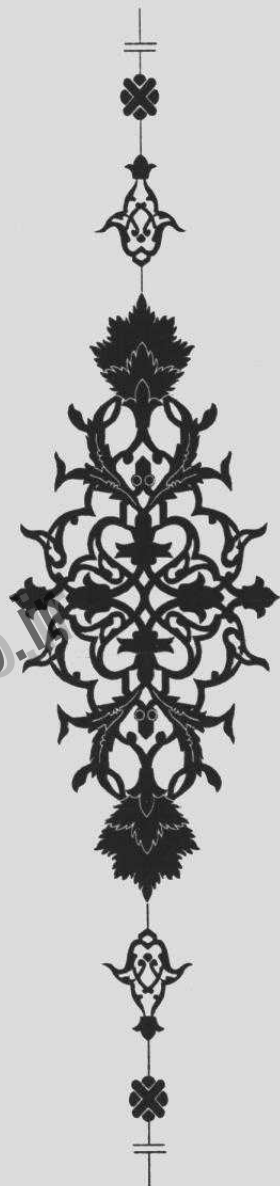


کتابگیری
۲۲۱۳/۸۸۰
۹۱۳ ۳۸۱۱۳۶۰

اخلاق حرفه‌ای استادی

دکتر احمد رضا بسیج



سرشناسه : بسیج، احمد رضا، ۱۳۴۰ -

عنوان و نام پدیدآور : اخلاق حرفه‌ای استاد / احمد رضا بسیج.

مشخصات نشر: شهرکرد: سدره المنتهی، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۲۰۲ ص.: جدول.

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۴۸۱-۰-۴

یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۹۹] - ۲۰۲.

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع : Professional ethics

موضوع : اخلاق حرفه‌ای

موضوع : اخلاق حرفه‌ای -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام

موضوع : Professional ethics -- Religious aspects -- Islam

موضوع : Professional ethics -- Hadiths

موضوع : اخلاق حرفه‌ای - احادیث

رده بندی دیویی: ۱۷۴

رده بندی کنگره: BJ ۱۷۲۵

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا

شماره کتابشناسی ملی: ۷۷۲۷۸۴۵



اخلاق حرفه‌ای استاد

■ مؤلف: احمد رضا بسیج (عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان)

■ طراح جلد: کمال‌الدین بسیج

■ لیتوگرافی: سروش چاپ: نقشینه

■ شمارگان: ۱۰۰۰

■ چاپ اول: تابستان ۱۴۰۰

■ شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۴۸۱-۰-۴ ISBN: 978-622-98481-0-4

فهرست مطالب

فهرست مطالب.....	۵
پیشگفتار.....	۱۱
فصل اول: کلیات و تعاریف.....	۱۷
اخلاق نظری.....	۱۹
اخلاق عملی.....	۲۰
اخلاق کاربردی.....	۲۰
اخلاق حرفه‌ای.....	۲۴
تفاوت اخلاق حرفه‌ای با مهارت‌های حرفه‌ای.....	۲۶
تفاوت اخلاق حرفه‌ای با آداب حرفه‌ای.....	۲۷
اخلاق مطلق و اخلاق مضاف.....	۲۹
نظام ارزش‌ها.....	۳۰
۱. ارزش ذاتی و ارزش غیری.....	۳۰
۲. ارزش مطلق و ارزش مشروط.....	۳۱
۳. ارزش تعینی و ارزش تخییری.....	۳۱
۴. ارزش مجموعی و ارزش غیر مجموعی (بخشی).....	۳۱
۵. ارزش دائم و ارزش غیر دائم (موقت).....	۳۲
۶. ارزش جهانی و ارزش منطقه‌ای.....	۳۲
۷. ارزش ثابت و ارزش متغیر.....	۳۲
۸. ارزش شرعی و ارزش عرفی.....	۳۳

۳۳	 ارزش نفسی و ارزش نسبی
۳۴	 ۱۰. ارزش بالذات، ارزش بالغیر، ارزش بالقیاس
۳۴	 منشأ ارزش‌ها
۳۵	 حقیقی یا اعتباری بودن ارزش‌ها
۳۵	 ویژگی ارزش‌های دینی
۳۶	 هنجارهای اخلاقی (پایدها و نیایدهای اخلاقی)
۳۷	 اشاره
۳۹	 ضرورت بهره‌مندی و رعایت اخلاق حرفه‌ای
۴۱	 تفاوت میان حرفه و شغل
۴۵	 فصل دوم: مبانی بینشی اخلاق حرفه‌ای
۴۷	 مبانی
۴۸	 ۱. مبدأ فاعلی داشتن انسان
۴۹	 ۲. دو بعدی بودن وجود انسان
۴۹	 ۳. احسن بودن خلقت انسان
۴۹	 ۴. مقام خلیفه‌الهی انسان
۵۰	 ۵. فقر وجودی انسان
۵۰	 ۶. وجود فطرت در انسان
۵۲	 ۷. مقصد غایی داشتن انسان
۵۳	 ۸. حقیقت سعادت و کمال در انسان
۵۶	 ۹. اکتسابی بودن سعادت
۵۸	 ۱۰. رابطهٔ تکوینی و تجسیمی میان عمل و نتیجه در دنیا و آخرت
۶۲	 ۱۱. نیاز انسان به هدایت، دین و پیامبر
۶۵	 ۱۲. کسبی بودن مکارم و فضایل

۶۶	۱۳. تغییر پذیر بودن هویت آدمی.....
۶۶	۱۴. تأثیرپذیری انسان از عوامل پیرامونی.....
۶۷	۱۵. تأثیرگذاری آدمی بر عوامل پیرامونی.....
۶۸	۱۶. انسان موجودی مسئول است.....
۶۹	فصل سوم: مبانی ارزشی اخلاق حرفه‌ای.....
۷۲	۱. عبد بودن و عبودیت.....
۷۶	۲. تقوا.....
۸۱	۳. مسئولیت داشتن انسان.....
۸۲	مسئولیت‌های انسان.....
۸۸	۴. حق و تکلیف.....
۱۰۰	۵. توکی و تبری.....
۱۰۷	فصل چهارم: ارزشمندی‌های تکرشی.....
۱۰۹	۱. عبادت انگاری وظایف.....
۱۱۰	۲. آزمون انگاری وظایف.....
۱۱۱	۳. مسئولیت انگاری وظایف.....
۱۱۲	۴. ندا و صدا انگاری اعمال و وظایف.....
۱۱۴	۵. مهندس انگاری وظایف.....
۱۱۷	۶. امانت انگاری وظایف.....
۱۱۸	۷. رسالت انگاری وظایف.....
۱۱۸	۸. مجموعه انگاری همه نقش‌ها و وظایف.....
۱۱۹	۹. خانواده انگاری سازمان.....
۱۲۰	۱۰. طیب انگاری استاد.....

فصل پنجم: ارزشمندی‌های گرایشی ۱۲۳

۱. مهندسی حب و بغض ۱۲۵

۲. مهندسی نیت ۱۲۷

۳. امیدوار بودن ۱۲۹

۴. دوری از استکبار ۱۳۰

۵. تواضع و فروتنی ۱۳۲

۶. پرهیز از خودشیفتگی و درمان آن ۱۳۵

فصل ششم: ارزشمندی‌های کنشی ۱۳۹

۱. قانون همذات‌پنداری ۱۴۱

۲. قانون آینده‌اندیشی ۱۴۲

۳. وجدان‌کاری ۱۴۴

۴. قانون صادق بودن با خود ۱۴۶

۵. انضباط‌کاری ۱۴۸

۶. قانون پاسداشت و رعایت حقوق دیگران ۱۴۹

۷. مسئولیت‌پذیری ۱۵۲

۸. تواضع و احترام نسبت به ارباب‌رجوع ۱۶۴

۹. وفای به عهد و امانت‌داری ۱۶۵

۱۰. رعایت حدود شرعی در برخورد با نامحرم ۱۶۹

۱۱. قانون استقلال در شخصیت ۱۷۷

۱۲. رعایت انصاف با مردم در زمینه کار و عمل ۱۸۴

۱۳. مشکل‌گشایی از همکار ۱۸۵

۱۴. حُسن خُلق ۱۸۶

پیشگفتار

أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ
كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا (انعام: ۱۲۲)

آیا کسی که مرده دل بود و ما با روح ایمان و پاکی
زنده‌اش کردیم و برای او نوری پدید آوردیم تا در پرتو
آن در میان مردم راه برود و نورافشانی کند، چون کسی
است که گویی گرفتار در تاریکی‌هاست و از آن
بیرون آمدنی نیست؟

جناب حافظ علیه الرحمه جمله بسیار زیبایی دارد که می‌توان پیرامون آن سخن‌ها گفت و
مطلب‌ها نوشت. می‌گوید:

کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد یک نکته از این معنی گفتیم و همین باشد
خاطری که در مسیر شادکامی نیست، زیبا پسند و زیبا بین نمی‌باشد، جهان‌دانی و جهان‌خوانی
او دچار مشکل است از باب این که به تعبیر قرآن کریم: ﴿بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾
(مطففین: ۱۴۹) «بلکه ظلمت ظلم و بد کاری‌هاشان بر دل‌های تیره آنها غلبه کرده است»،
نمی‌تواند شادی آفرین باشد و جهان را آنچنان که هست بیاموزد. جمله‌ای هم به سعدی علیه
الرحمه منسوب است که بیان دیگری از همین حقیقت دارد:

طیبی که خود باشدش زرد روی از او داروی سرخ روی مجوی
چگونه کسی که خودش یا نمی‌داند یا نمی‌تواند، طیب کسانی باشد که آنها هم نمی‌دانند یا
نمی‌توانند. پس به تعبیر جناب مولانا:

دلا نزد کسی بنشین که او از دل خبر دارد به زیر آن درختی رو که او گل‌های تر دارد.